

در ستایش امر روزمره



صوفیا نصرالهی
روزنامه‌نگار

۱ شما هم شاید در بدترین روزهای زندگی و وسط اعصاب‌خردی‌های مالی و کاری یا در ملال روزهایی که بی‌هیچ اتفاق خوشی از پی هم می‌گذرند، از بزرگ‌تری، دوستی شنیده‌اید که: «بازم خداروشکر کن» و آن لحظه قاطعی کرده‌اید که الان این زندگی که در بهترین حالت صبح بلند می‌شوم، سر کار می‌روم و شب برمی‌گردم و غذایی و دائم روتین و تکرار، چه شکر و ستایشی دارد؟ من هم همین‌طور فکر می‌کردم. البته نسبت به خیلی از آدم‌های دوروبرم خوش‌بین‌ترم. مثلاً اگر صبحی هوا ابری باشد و خنک، نم باران برزند، آن روز واقعاً خوشحال می‌شوم. دانشگاه استفورد یکی از کتاب‌هایی که در حوزه فلسفه منتشر کرده «زیبایی‌شناسی امر روزمره» است. یوریکو سایتو، فیلسوف ژاپنی - آمریکایی که تخصص‌اش در زیبایی‌شناسی و آن‌واژه‌ی محبوب ژاپنی این سال‌ها، وابی‌سابی (در زیبایی‌شناسی سنتی ژاپنی به‌معنای پذیرش نقص‌هاودر عین حال ستایش زیبایی آن‌هاست) است، در این کتاب می‌گوید که هنر فراتر از چیزی است که در موزه‌ها می‌بینیم که در زندگی روزمره در جریان است. حالا می‌دانم خیلی‌ها می‌گویند مثلاً ترافیک و دود و دم چه زیبایی دارد. من هم موافقم؛ اما این روزها با واژه‌ای آشنا شده‌ام به‌نام اکفراسیس؛ یعنی به کلمه درآوردن هنرهای دیگر به‌خصوص هنرهای تجسمی مانند نقاشی، در مقاله یا در شعر یا داستان. جریان از مجموعه کتابی شروع شد که انتشارات آبان چاپ کرده و در آن مقاله‌هایی از نویسندگان درباره آثار نقاشی می‌خوانیم. یکی از کتاب‌ها درباره «شاردن» و «امبرانت» نوشته مارسل پروست است. شما اگر چند صفحه از کتاب «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» مارسل پروست را ورق زده باشید (چون راستش من همیشه فکر می‌کنم به‌جز خود پروست و مهدی سحابی چه کسی می‌تواند کل آن کتاب عظیم را بخواند!) می‌دانید پروست در توصیف چیزهای جزئی، از اشعه نور آفتاب تا مثلاً حرکت برگ درختان دقیق است. او در نقاشی‌های شاردن چیزی را کشف کرده که همان زیبایی‌شناسی روزمره‌گی است. در غذای نیم‌خورده، سفره هنوز پهن ناهار و آن رنگ، نور و شکوه نقاشی‌های شاردن را می‌بیند و می‌گوید اگر شاردن آن قدر این چیزها را زیبا می‌دیده که لازم دیده نقاشی‌شان کند و لذت‌اش را از تماشای‌شان با ما در میان بگذارد و اگر ما از نقاشی‌های شاردن لذت می‌بریم، لاجرم آن صحنه‌های روزمره پیش رومان هم زیباست که بی‌توجه از کنارش می‌گذریم. این همه را نوشتم که بگویم دارم تلاش می‌کنم همانند مدل پروست به جهان اطرافم نگاه کنم. در این وانفسای روان خراب‌مان، کشف زیبایی‌های کوچک شاید به دامن‌بردس که آدم‌های زشتی نشویم.

۲ در راستای همین نگاه روزمره این‌ روزها موقفیت‌هایی هم کسب کرده‌ام. مثلاً به‌عنوان یک پرسپولیسی، تماشای نیمکت مربیان استقلال با حضور مجتبی جباری و بازی‌های خیرشان زیبا بود. طبعاً هیچ علاقه‌ای ندارم تیم رقیب صعود کند اما تماشای نیمکتی با شخصیت در زمین فوتبال سعادت است. از آن صف طولانی لعنتی در این روزهای آخر نمایشگاه پیکاسودر تهران موزه هنرهای معاصر هم لذت بردم. اینکه همه‌چیز آدمی در صف بود. پیر و جوان. از همه قشر و فرهنگی. لازم دیده بودند بیایند در صف بایستند و نقاشی‌های پیکاسو را ببینند. از احترام آدم‌ها به‌دیگدر داخل موزه کیف کردم. به‌رغم ازدحام صوری می‌کردند تا نفر جلویی نقاشی را ببیند، عکس و سلفی‌اش را بگیرد و نوبت خودشان شود. همین که نقاشی پیکاسو برای آدم‌های عادی آن قدر مهم است که دلشان می‌خواهد سلفی با آن داشته باشند، محشر نیست؟ از آن عکس صف بی‌ادعای مردم اصفهان برای دادن خون به مردم بندر شهید رجایی هم حظ کردم. از اینکه این مردم هنوز در هر واقعه‌ای و هر فاجعه‌ای کنار هم می‌ایستند.

البته که ساتی‌مانتالش نمی‌کنم. در همه‌ی این‌ها که گفتم چیزهایی هم وجود داشته که به‌قول اهالی جوان شبکه‌های اجتماعی «ادابی» بود. و «ادابی بودن» واقعاً حرص آدم را درمی‌آورد. اما هر آنچه اصیل باشد شبیه نیلوفر وسط مرداب در نهایت خودنمایی می‌کند. وظیفه ما چیست؟ تشخیص زیبایی اصیل از زیبایی ادابی، تمیز دادن امر والا از مبتذل و درک اینکه ابتذال لزوماً ربطی به ملال روزمره ندارد. ابتذال یعنی جعل کردن چیزها. رنگ کردن گنجشک به‌جای قناری و بعد تحسین و ستایش قناری، واقعیت این است که کسی به فکر این نیست که ما شاخک‌های‌مان در این تشخیص تیز شود، چون آن‌وقت رزشتی‌ها را هم واضح‌تر می‌بینیم. در دنیای پر زرق‌وبرق امروز، تمیز دادن اصل و بدل هم کار ساده‌ای نیست و این دشواری وظیفه است.

عکس: CNBC

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



ناگهان ستاره‌ای خاموش شد

اسکایپ پس از دوره‌ای پرفرازونشیب با اعلام مایکروسافت پس از ۲۲ سال برای همیشه بازنشسته شد

مسعود شاه‌حسینی
خبرنگار گروه فرهنگ

روزی دیگر به تاریخ می‌پیوندند. اسکایپ یکی از همین نام‌هاست که از دیروز به خاطره‌هایپوست. پلتفرمی که قلب‌تپنده دنیای ارتباطات مجازی بود، باسرعتی معجزه‌آسا بر صدر نشست، راه را نشان بقیه داد، به‌قعر سقوط کرد و عاقبت هم مایکروسافت کلید خاموشی‌اش را زد.

▼ هنگامه‌ای که جهان به اسکایپ گوش سپرد

اسکایپ سال ۲۰۰۳ به دنیا آمد. نیکلاس زنستروم سوئدی و یانوس فریس دانمارکی با گروهی از مهندسان استونیایی در لوکزامبورگ دور هم نشستند و فناوری‌ای را توسعه دادند که زمانی رویایی دست‌نیافتنی به‌نظر می‌رسید؛ فناوری همتا به همتا (P2P) که شروعی برای شبکه ارتباطی جدید بود. در اسکایپ تماس‌های صوتی و تصویری با کیفیت خوب بدون اینکه نیاز به سرورهای متمرکز باشد، جایگزین تماس‌های تلفنی گران‌قیمت شد و این حرفی نو در جهان بود. اولین نسخه بتای عمومی اسکایپ، ۲۹ آگوست ۲۰۰۳ راهی بازار شد و بسیار زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، نام خود را به‌عنوان نوآورانه‌ترین ابزار بر پیشانی جهان ارتباطات ثبت کرد. کاربرانی که تا آن زمان با هزار مشقت تماس‌هایی گران می‌گرفتند، حالا این امکان را داشتند که با یک اتصال ارزان اینترنتی، با همکاران، دوستان و خانواده‌شان در سراسر دنیا صحبت کنند. تا سال ۲۰۰۵، اسکایپ ۵۰ میلیون کاربر ثبت‌شده داشت و تا ۲۰۱۰ این عدد به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر رسید. تاج پادشاهی بر جهان ارتباطات، سال‌ها بر سر اسکایپ بود. این سرویس در حدود سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، به اوج محبوبیت خود رسید؛ با ۲۰۰ میلیون کاربر فعال ماهانه. مقررین به‌صرفه بودن، همراه با قابلیت اطمینان، جایگاه اسکایپ را به‌عنوان رهبر بازار تثبیت کرد. اما این روزهای خوب مقطعی بود و وقتی پای سرمایه‌گذاران بزرگ به آن باز و تغییرات مالکیتی شروع شد، به مسیر دیگری رفت. میلیاردرها صف کشیده بودند و می‌خواستند از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کنند. سال ۲۰۰۵ eBay اسکایپ را به مبلغ ۲/۶ میلیارد دلار خرید تا در اکوسیستم تجارت الکترونیک خود ادغام کند و سه سال بعد هم سهام اکثریت آن را به یک گروه سرمایه‌گذاری سپرد. نقطه عطف واقعی سال ۲۰۱۱ بود که مایکروسافت با پرداخت ۸/۵ میلیارد دلار صاحب اسکایپ شد.

▼ عقب‌ماندگی از قافله نوآوری

در دنیای فناوری هیچ چیز ایست نیست و این شامل حال اسکایپ هم می‌شود. روزهای بدیاری این پلتفرم خیلی زود از راه رسیدند. باوجود تسلط نسبی بر بازار رفته‌رفته در سراسرینی سقوط افتاد. تعداد کاربران اسکایپ تا سال ۲۰۲۵ به ۳۶ میلیون نفر رسید؛ بیشترین افت از دوران اوج آن در سال ۲۰۱۳. عوامل متعددی به این افول کمک کردند که شاید مهم‌ترین آن، ظهور رقبای قدرتمند بود. واتساپ، فیس‌تایم، زوم و گوگل میت سهم بازار اسکایپ را از او گرفتند. مدیران سابق سیسکو در سال ۲۰۱۱ پلتفرم زوم را تأسیس کردند و تمرکزشان را بر رابط کاربری، ثبات عملکردی و قابلیت‌هایی مانند پس‌زمینه‌های مجازی و لینک‌های آسان برای جلسات گذاشتند. به‌طور مشابه، رمزگذاری سرتاسری واتساپ و طراحی موبایل‌محور آن، کاربران جوان‌تر را جذب کرد. از آن سونیز ادغام یکپارچه فیس‌تایم با دستگاه‌های اپل، کاربران iOS را به‌خود جلب کرد. همه این پلتفرم‌ها دست روی نقطه‌ضعف اسکایپ گذاشته بودند؛ کیفیت تماس و پیچیدگی رابط کاربری. جز این، اسکایپ در نوآوری نیز از رقبای عقب ماند. درحالی که زوم قابلیت‌هایی مانند اتاق‌های جداگانه و پس‌زمینه‌های مجازی معرفی می‌کرد و از قابلیت جلسات گروهی بزرگ و تاخیر کم پرده برمی‌داشت، واتساپ فناوری رمزگذاری سرتاسری را توسعه می‌داد و به‌وزرسانی‌های اسکایپ تدریجی و اغلب واکنشی و ناقص بودند. این‌ها مانند درزانی بودند که قلب کاربران اسکایپ را ربودند؛ کاربرانی که معتقد بودند، اسکایپ کند است و ناقص و رقبای ناقص و مطلوب‌نظر؛ مثل این‌ها که کاستی‌های اسکایپ را عیان می‌کردند.

▼ سوءمدیریت و گمراهی

مسیر اسکایپ با تغییر مالکان، سرگردانی میان امید و ناامی بود. در دوره مالکیت eBay بر اسکایپ، مدیران این شرکت ارزش اسکایپ را بیش از حد ارزیابی کردند و در نتیجه نتوانستند آن را در پلتفرم تجارت الکترونیک خودشان ادغام کنند. اختلافات حقوقی با مؤسسان بر سر حقوق فناوری P2P نیز پیشرفت‌ها را مختل کرد و گذشته از این eBay بر کسب درآمد از اسکایپ با تبلیغات و قابلیت‌های پریمیوم تمرکز کرد و همین عامل بیگانگی کاربران با این پلتفرم شد؛ کاربرانی که به مدل رایگان اسکایپ عادت داشتند اما حالا با تصمیم‌های جدید باید پول پرداخت می‌کردند. مدیران مایکروسافت هم کم اشتباه نداشتند. آنها نیز به سبک مدیران eBay به فکر ادغام بودند و می‌خواستند اسکایپ را در اکوسیستم خود ادغام کنند. معنای این تصمیم نیز مشخص بود؛ قهر مصرف‌کنندگان عادی. تغییرات مکرر رابط و مشکلات عملکردی مانند قطعی تماس و تأخیر صوتی، کاربران را نیز ناامید کرد. اولویت‌بندی مایکروسافت بر تیمز و توسعه قابلیت‌های پیشرفته در این سرویس، اسکایپ را گرفتار مسائل هویتی کرد و عملاً توسعه‌اش را به حاشیه برد. نگرانی‌های فنی و امنیتی نیز ریشه‌های اسکایپ را خشک کردند. انتقال اسکایپ از معماری P2P به زیرساخت متمرکز «آزور»، چالش‌های جدیدی را ایجاد کرد. نگرانی‌های حریم خصوصی، انتشار گزارش‌هایی درباره دسترسی مایکروسافت به ارتباطات اسکایپ و آسیب‌پذیری‌های امنیتی به‌ویژه عملکرد ضعیف نسخه‌موبایل آن نیز کاربرانی را که به دنبال تجربه‌های یکپارچه بودند، حسابی دلسرد کرد.

▼ نوری بر تاریکی فاصله‌ها

اسکایپ، ارتباطات را به‌دور دست‌ها برد و بی‌هیچ اغراق و گرافه‌ای، جهانی کرد. به‌ویژه برای مناطق و کشورهای در حال توسعه، شبیه یک معجزه ارتباطی به‌نظر می‌آمد. فناوری VoIP آن، درون شبکه‌های جهانی، سیگنال‌های صوتی آنالوگ را به داده‌های دیجیتال تبدیل می‌کرد و این یعنی ممکن‌شدن پیام‌رسانی فوری، تماس‌های ویدئویی گروهی، اشتراک‌صفحه، شناسایی تماس گیرنده، پست‌صوتی، کنفرانس‌های تلفنی و... این‌ها برای آن دوران ماهیگیری بیشتر از فناوری داشتند؛ چراکه به افراد و کسب‌وکارها امکان می‌داد از موانع محدودکننده جغرافیایی عبور کنند. هیچ‌کس منکر نقش حیاتی این ابزار ارتباطی برای جوامع مهاجر و کارگران دورکار اغلب فقیر نیست. اسکایپ برای پلتفرم‌های ارتباطی بعد از خود نیز الگو شد و ثابت کرد، راه‌حل‌های مبتنی بر اینترنت چه جایگزین‌های خوبی برای سیستم‌های مرسوم هستند. تأثیر آن در طراحی نسل بعدی اپلیکیشن‌های ارتباطی مانند واتساپ، زوم و مایکروسافت تیمز مانند خورشید در آسمان مشهود است.

▼ نوآور نباشید، خاموش می‌شوید

حدود دو ماه پیش مایکروسافت بازنشستگی اسکایپ را اعلام کرد و دیروز اجرایی شد. تصمیمی که برگ دیگری از تغییر در طرح‌های استراتژیک شرکت‌های فناوری است. اطلاعات کاربران به مایکروسافت تیمز منتقل شده است؛ نسخه جدیدتر و پیشرفته‌تر اسکایپ است که تماس‌های صوتی و تصویری، برنامه‌ریزی جلسات، مدیریت تقویم و اشتراک‌گذاری فایل دارد. میراث اسکایپ زیاد است. این پلتفرم، زبان ارتباطات مدرن را بازتعریف کرد. پیش از آن که واتساپ یا زوم به میدان آیند، نشان داد که اینترنت می‌تواند جایگزین خطوط مسی شود. مسیر را برای نسل بعدی اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های ارتباطی هموار کرد. افول و خاموشی آن اما درس‌های مهمی دارد. این که کاربر قلب فناوری است و اگر به تجربه کاربری توجه نشود، زمین می‌خورد، نوآوری نفس حیات است و اگر نوآور نباشید رقیب نسخه‌تان را می‌پیچند و از همه مهم‌تر، اعتماد شکننده است. اگر دست از پا خطا کنید و کاربران را نگران حریم خصوصی کنید و اعتمادشان از دست برود، فاتحه‌تان خوانده است. این ماهیت چالش‌برانگیز فناوری است. اسطوره‌ها هم خاموش و خاطره می‌شوند. اسکایپ گویی ستاره‌ای بود که در آسمان فناوری درخشید، سپس به سکوت فرو رفت. بازنشستگی‌اش در ۵ مه ۲۰۲۵، نه‌تنها پایان یک پلتفرم که روایتی است از شکنندگی در برابر زمان.

چهره

استادِ استادان

محمدحسین بشرویه‌ای معروف به بدیع الزمان فروزانفر در سال ۱۲۷۶ در بشرویه از توابع استان خراسان جنوبی زاده شد. بدیع الزمان فروزانفر، یکی از برجسته‌ترین و بزرگ‌ترین استادان زبان و ادبیات فارسی و متون عرفانی است. بزرگی و جایگاه والای فروزانفر دلایل گوناگونی دارد. یکی از آن‌ها، تألیفات اوست که همگی حاصل سال‌ها مطالعه و تحقیق در متون گوناگون‌اند. از جمله آثار پژوهشی فروزانفر می‌توان به «مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی»، «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری» و «شرح مثنوی شریف» اشاره کرد. نمونه‌ای از تصحیح‌های سنجیده او را نیز می‌توان در آثاری چون «فی‌ما‌فی‌ه»، «معارف» و «کلیات شمس» دید. آن‌چه نام فروزانفر را بر تارک تحقیقات ادبی و عرفانی نشاند، شیفتگی او به‌نبوغ ادبی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بود. به‌جز این‌ها اما یکی دیگر از دلایل عظمت نام فروزانفر به این بازمی‌گردد که او بسیاری از بزرگان، استادان، مؤلفان و محققان نامدار زبان و ادب فارسی را استادانه آموخته است و تعداد چشمگیری از صاحب‌نامان ادب فارسی معاصر، توفیق شاگردی فروزانفر را داشته‌اند. بدیع الزمان فروزانفر ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۹ بر اثر سکنه قلبی درگذشت.

کتابخانه

در اتمسفر بوشهر

مجموعه‌داستان «کتاب زمینی» نوشته‌سعید بردستانی، نویسنده بوشهری در ۷۲ صفحه و با قیمت ۹۵ هزار تومان توسط نشر هیلا از زیر مجموعه‌های گروه انتشاراتی ققنوس منتشر شد. «کتاب زمینی» شامل ۹ داستان کوتاه با نام‌های جزیره من، جانشینر، نقطه، مصاحبه، سه ماهیگیر، بهترین آتش‌شان دنیا، در ستایش پنجره، بسی عاشقانه و کالای فرهنگی است. به گفته نویسنده، داستان‌های «کتاب زمینی» با موضوعات مختلف مربوط به سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ در بوشهر است. سعید بردستانی خاطرنشان کرده، «کتاب زمینی» را پس از گذشت هشت سال از آخرین اثر خود به همت انتشارات ققنوس راهی بازار کتاب کرده است. مجموعه داستان «هیچ» (انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵)، «نهنگ تاریک» (انتشارات پیدایش، ۱۳۹۴) و رمان «تار مو» (نشر نیما، ۱۳۹۵) از دیگر آثار بردستانی است. آثار این نویسنده پیش‌تر در جشنواره‌های مختلفی چون جشنواره سراسری مطبوعات، جایزه گلشیری، جایزه گام اول، جایزه صادق هدایت، کنگره ملی شعر و داستان، جایزه ادبی بوشهر، جایزه شهر کتاب و... حائز رتبه شده است.



کتاب زمینی

نویسنده: سعید

بردستانی

انتشارات: هیلا

(ققنوس)

تاریخ

افتتاح تونل مانش



۶ مه ۱۹۹۴ و با به اتمام رسیدن مراحل ساخت تونل مانش، فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور وقت فرانسه و ملکه الیزابت در کاله فرانسه این تونل را به‌طور رسمی افتتاح کردند. ملکه انگلستان از ایستگاه واترلو لندن و فرانسوا میتران از ایستگاهی در لیل به‌سوی کاله به‌حرکت درآمده بودند. تونل مانش، مسیر راه آهنی ۵۲ کیلومتری در بستر کانال مانش و زیر کف دریاست که بندر پادوکاله فرانسه را به شهرک فوکستون انگلستان متصل می‌کند. بدین ترتیب این تونل تنها راه مواصلاتی ثابت بین بریتانیا و اتحادیه اروپاست. هزینه ساخت این پروژه که انجمن مهندسان عمران آمریکا آن را یکی از عجایب هفتگانه دنیای مدرن نامید، بر ۲۱ میلیارد پوند بالغ شد و شش سال زمان برد. اولین ایده برای ساخت تونلی برای اتصال بریتانیا و فرانسه، در سال ۱۸۰۲ مطرح شد اما تصویب چنین طرحی با توافق دو کشور تا دهه ۱۹۸۰ عملی نشد. زمان عبور از داخل تونل مانش حدوداً ۳۵ دقیقه است و حدود ۲۶ درصد از تبادل محموله بین بریتانیا و اروپا از طریق آن انجام می‌شود که ارزش سالانه آن به ۱۲۰ میلیارد دلار می‌رسد.